



اثر روابط سیاسی با دولت بر رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و محافظه‌کاری حسابداری^۱

حمیدرضا گنجی^۲، مه‌ران جهان‌دوست مرغوب^۳، هاشم نصیری‌فر^۴، ثریا ویسی حصار^۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۰

مقاله پژوهشی

چکیده

هدف اصلی این پژوهش، بررسی اثر روابط سیاسی با دولت بر رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و محافظه‌کاری حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. فرضیه‌های پژوهش بر مبنای نمونه آماری متشکل از ۱۲۴ شرکت طی دوره زمانی ۱۳۹۳ لغایت ۱۳۹۹ و با استفاده از الگوهای رگرسیونی چند متغیره و چنیش داده‌های تابلویی، مورد آزمون قرار گرفت. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر محافظه‌کاری حسابداری، اثر مثبت و معناداری دارد. همچنین، روابط سیاسی با دولت بر رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و محافظه‌کاری حسابداری، تأثیر منفی و معناداری دارد. نتایج بیانگر این است که در نظام‌های اقتصادی مبتنی بر روابط، ارتباط سیاسی یک منبع مهم ارزش برای شرکت‌های دارای این روابط است. شرکت‌های دارای روابط سیاسی، آسان‌تر به منابع سرمایه و مزایای دیگر از طریق ارتباطاتشان دست می‌یابند و همین امر باعث می‌شود کمتر به گزارشگری مالی با کیفیت بالا متکی باشند. بنابراین، مسئولیت‌پذیری اجتماعی در شرکت‌های دارای روابط سیاسی با دولت، نه تنها رفتار مدیران را در ارتباط با گزارش کیفیت پایین اطلاعات مالی اصلاح نمی‌کند و کیفیت اطلاعات را ارتقا نمی‌دهد بلکه، سبب بی‌توجهی نسبت به اطلاعات مالی گزارش شده می‌شوند و از این رو، کیفیت اطلاعات مالی از نظر محافظه‌کاری حسابداری کاهش می‌یابد.

واژه‌های کلیدی: روابط سیاسی با دولت، محافظه‌کاری حسابداری، محافظه‌کاری مبتنی بر اقلام تعهدی، محافظه‌کاری مبتنی

بر بازار، مسئولیت‌پذیری اجتماعی.

طبقه بندی موضوعی: M42, G32, G18, G14

DOI: 10.22051/JAASCI.2022.38651.1644

۱. استادیار، گروه حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). (h.ganji@alzahra.ac.ir)

۲. دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، دانشکده اقتصاد مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. (mjahandostm@yahoo.com)

۳. کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران. (hashem.nasirifar@ut.ac.ir)

۴. کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، مؤسسه آموزش عالی کار، قزوین، ایران. (soraiaweysihesar@yahoo.com)

jaacsi.alzahra.ac.ir

مقدمه

در سال‌های اخیر، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و تأثیر آن بر ابعاد مختلف شرکت‌ها، از جمله کیفیت گزارشگری مالی به دلیل رواج آن در اکثر کشورها و به خصوص در میان اقتصادهای در حال رشد و بازارهای نوپای اروپا و آسیا، به‌عنوان یکی از مسائل مهم در ادبیات مدیریت و حسابداری مطرح شده است. منظور از مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، پیوستگی و اتحاد میان فعالیت‌ها و ارزش‌های سازمان به گونه‌ای است که منافع کلیه ذی‌نفعان شامل سهامداران، مشتریان، کارکنان، سرمایه‌گذاران و عموم جامعه، در سیاست‌ها و عملکرد سازمان منعکس گردد. به‌عبارت دیگر، سازمان باید همواره خود را جزئی از اجتماع بداند و نسبت به جامعه احساس مسئولیت داشته باشد و در جهت بهبود رفاه عمومی به گونه‌ای مستقل از منافع مستقیم شرکت تلاش کند (فروغی، میرشمس شهشانی و پورحسین، ۱۳۸۷). شرکت‌هایی که عملکرد اجتماعی بالایی دارند تمایل بیشتری به افشای عمومی فعالیت‌های اجتماعی خود دارند. سطح بالای شفافیت در اطلاعات باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین شرکت و سرمایه‌گذاران می‌شود و این خود باعث کاهش ریسک می‌گردد (حاجیها و سرفراز، ۱۳۹۳). بنابراین، مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها، محیط اطلاعاتی و کیفیت اطلاعات حسابداری را بهبود می‌بخشد (کیم، پارک و ویر، ۲۰۱۲).

یکی دیگر از عوامل با اهمیت و قابل توجه که کیفیت گزارشگری مالی شرکت را تحت تأثیر قرار می‌دهد، ارتباطات سیاسی بنگاه‌های اقتصادی است. روابط و نفوذ سیاسی نه تنها بر وضعیت مالی بنگاه‌های اقتصادی تأثیر می‌گذارد، بلکه انگیزه‌های مدیران را نیز در ارتباط با گزارشگری مالی تحت تأثیر قرار می‌دهد. انتظار می‌رود این امر در نهایت باعث ایجاد تفاوت‌های چشمگیر، در کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌های دارای روابط سیاسی در مقایسه با سایر شرکت‌ها گردد (رضایی و ویسی حصار، ۱۳۹۳). استدلال ارائه شده این است که شرکت‌های دارای روابط سیاسی با دولت به دلیل برخورداری از شرایط خاص (اتصال سیاسی با دولت)، هزینه‌های کمتری را از سوی دولت تحمل می‌کنند (چانی، فاسیو و پارسلی، ۲۰۱۱). چانی و همکاران (۲۰۱۱) معتقدند که به دلیل

-
1. Kim, Park & Wier
 2. Chaney, Faccio & Parsley

حمایت دولت از ارتباطات سیاسی، در شرکت‌هایی که روابط سیاسی حاکم است، محیط عملیاتی شفاف نیست. در نتیجه، کیفیت اطلاعات در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی پایین‌تر از سایر شرکت‌ها است.

در روابط نمایندگی، هدف مالکان حداکثرسازی ثروت است. از این‌رو، برای دستیابی به این هدف بر کار نماینده نظارت می‌کنند و به ارزیابی عملکرد او می‌پردازند، اما زمانی که دولت در نقش مالک در رابطه نمایندگی قرار می‌گیرد، موضوع فرق می‌کند، زیرا ممکن است اهداف سیاسی بر هدف حداکثرسازی ثروت ترجیح داده شود (بوباگری، کوزت و سفر، ۲۰۰۸). همچنین، به دلیل حضور نداشتن مالک انفرادی و خصوصی با انگیزه کافی برای نظارت بر رفتار مدیران در شرکت‌های تحت حمایت سیاسی دولت، ارزیابی عملکرد شرکت و نظارت بر رفتار مدیران، بسیار کم‌رنگ است (بادآور نهندی و تقی‌زاده خانقاه، ۱۳۹۷). از آنجایی که مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها، تعداد ذی‌نفعان را در برابر مدیران مسئول، افزایش می‌دهد و در نتیجه، تعداد نظارت‌کنندگان بر رفتارهای مدیریتی افزایش یافته و موجب می‌شود قراردادهای ضمنی با مجموعه‌ای گسترده از ذی‌نفعان منعقد شود (دنگ، کنگ و لوو، ۲۰۱۳). همچنین، مدیرانی که خود را متعهد به سازمان می‌دانند، تمایل بیشتری به افشای فعالیت‌های اجتماعی خود دارند. بنابراین، انتظار بر این است که افزایش نظارت و گسترش مجموعه‌ای از قراردادهای ضمنی، تضادهای نمایندگی بین مدیران و سهامداران را در شرکت‌های تحت حمایت سیاسی دولت کاهش دهد (جنسن و مک‌لینگ، ۱۹۷۶). در نتیجه، با تعادل بین منافع و نیازهای ذی‌نفعان مختلف، اتخاذ تصمیم‌های مدیریت بهبود یابد (پورتر و کارمر، ۲۰۱۱).

مبانی نظری یادشده و مرور پژوهش‌های گذشته نشان می‌دهد علی‌رغم وجود پژوهش‌های زیادی که به تأثیر مستقیم مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر کیفیت گزارشگری مالی (رضایی، دیو و ژانگ، ۵

-
1. Boubakri, Cosset & Saffar
 2. Deng, Kang & Low
 3. Jensen & Meckling
 4. Porter & Kramer
 5. Rezaee, Dou & Zhang

۲۰۱۹؛ ارنفجورد و ویجت؛ ۲۰۱۸؛ گیل، مانزانو و فرماندز؛ ۲۰۱۶؛ کیم، پارک و ویر، ۲۰۱۲؛ سالوسکی و زولچ؛ ۲۰۱۲؛ هنگ و اندرسون؛ ۲۰۱۱؛ خدایی، ۱۳۹۶؛ موسوی، رضایی و شاه ویسی، ۱۳۹۶؛ عظیمی و گنجی، ۱۳۹۵، جلیلی و قیصری، ۱۳۹۳) و تأثیر مستقیم روابط سیاسی با دولت بر کیفیت گزارشگری مالی (کوریبا؛ ۲۰۱۲؛ چانی و همکاران، ۲۰۱۱؛ سونگ، لینا و زی؛ ۲۰۱۱؛ صالح و دونمور؛ ۲۰۰۹، رضایی و ویسی حصار، ۱۳۹۳) پرداخته‌اند. پژوهشی که به بررسی اثر تعدیل‌کننده روابط سیاسی با دولت بر ارتباط بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و کیفیت گزارشگری مالی پرداخته باشد، وجود ندارد. بنابراین، بررسی این موضوع از نوآوری‌های پژوهش پیش‌رو است. بر این اساس، پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این پرسش است که آیا روابط سیاسی با دولت بر ارتباط بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و کیفیت گزارشگری مالی اثر تعدیل‌کننده دارد یا خیر؟

ضرورت انجام این پژوهش از چند بعد حائز اهمیت است: اول، روابط سیاسی با دولت و مسئولیت‌پذیری اجتماعی و پیامدهای آنها موضوعات نسبتاً جدیدی است که کمتر در پژوهش‌های داخلی و خارجی به آن پرداخته شده است که در این پژوهش این موضوع به اشکال مختلف بررسی می‌شود. دوم اینکه، کیفیت گزارشگری مالی برای کلیه ذینفعان شرکت به خصوص سهامداران بالفعل و بالقوه همیشه از اهمیت خاصی برخوردار بوده است و می‌تواند به‌عنوان عامل مؤثری در انتخاب سرمایه‌گذاری مطلوب مورد استفاده قرار گیرد. در نهایت، نتایج این پژوهش می‌تواند موجب بسط مبانی نظری متون مرتبط با اهمیت و محتوای اطلاعاتی گزارشگری مالی و روابط سیاسی با دولت و مسئولیت‌پذیری اجتماعی گردد و ایده‌های جدیدی برای انجام پژوهش‌های بعدی در خصوص موضوع پژوهش پیشنهاد نماید. نتایج به‌دست آمده در این پژوهش، ضمن پرکردن خلأ پژوهش‌های صورت گرفته در این حوزه، می‌تواند برای مدیران، سیاست‌گذاران بورس، سرمایه‌گذاران و سایر ذی‌نفعان در امر تصمیم‌گیری راهگشا باشد.

-
1. Ernford & Voigt
 2. Gil, Manzano & Fernández
 3. Salewski & Zülch
 4. Hong & Andersen
 5. Correia
 6. Song, Lina & Zi
 7. Salleh & Dunmore

در ادامه، پس از بررسی مبانی نظری و پیشینه پژوهش، فرضیه‌های مورد آزمون و روش‌های به کار گرفته شده جهت آزمون فرضیه‌ها ارائه می‌گردد. در پایان نیز پس از ارائه یافته‌های پژوهش، به بحث و نتیجه‌گیری پیرامون موضوع پژوهش پرداخته می‌شود.

مبانی نظری و توسعه فرضیه‌ها

مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها نقش مهمی در توسعه اقتصادی دارد و نشان‌دهنده تعهد مستمر شرکت به رفتارهای اخلاقی است (گائو، لیزیک و ژانگ، ۲۰۱۴). وود (۱۹۹۱)، طبقه‌بندی مسئولیت‌پذیری اجتماعی را بر اساس چگونگی ارتباط بین شرکت و جامعه، در سه سطح بررسی کرد و به هر یک اصولی مبنی بر تفسیرات خودش ارائه کرد. به نظر او از منظر نهادی، مشروعیت سازمان‌ها قابل بحث است و از منظر سازمانی، اصل پاسخگویی عمومی امری مهم تلقی می‌شود و از منظر فردی، عمل به وظایف اخلاقی، اهمیت زیادی دارد (یوشو، چایی‌لین و آلتایوآ، ۲۰۱۵).

مطابق با نظریه اقتصاد سنتی، نقش مدیران پیشینه‌سازی ثروت سهامداران است و فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها منجر به افزایش هزینه‌های نمایندگی می‌شود و ممکن است شرکت به بهای منتفع کردن این گروه، گروهی دیگر را متضرر کند (پاگانو و ولپین، ۲۰۰۵؛ کروگر، ۲۰۱۵). در مقابل، مطابق با نظریه ذی‌نفعان که توسط جنسن (۲۰۰۱) و پورتر و کارمر (۲۰۱۱) توصیف شده، ذی‌نفعان مختلف (مانند سهامداران، کارکنان، مشتریان، عرضه‌کنندگان، محیط زیست و جامعه) نقش حیاتی در حمایت شرکت و عملیات آن ایفا می‌کنند و تمرکز بر این گروه از ذی‌نفعان از طریق فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی به پیشینه‌سازی ارزش حقوق صاحبان سهام کمک می‌کند و مشکلات نمایندگی را کاهش می‌دهد (ادمانز، ۲۰۱۱؛ تقی‌زاده خانقاه و زینالی، ۱۳۹۵). در واقع، مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها، تعداد ذی‌نفعان را در برابر مدیران مسئول افزایش می‌دهد و در نتیجه، تعداد نظارت‌کنندگان بر رفتارهای مدیریتی افزایش یافته و موجب می‌شود قراردادهای ضمنی با مجموعه‌ای گسترده از ذی‌نفعان منعقد شود (دننگ، کنگ و لولو، ۲۰۱۳).

1. Gao, Lisi & Zhang
2. Yu-Shu, Chayi-Lin & Alta-Uya
3. Pagano & Volpin
4. Kruger
5. Edmans

همچنین، مدیرانی که خود را متعهد به سازمان می‌دانند تمایل بیشتری به افشای فعالیت‌های اجتماعی خود دارند. بنابراین، انتظار بر این است که افزایش نظارت و گسترش مجموعه‌ای از قراردادهای ضمنی، تضادهای نمایندگی بین مدیران و سهامداران را کاهش دهد (جنسن و مک‌لینگ، ۱۹۷۶). در نتیجه، با تعادل بین منافع و نیازهای ذی‌نفعان مختلف، اتخاذ تصمیم‌های مدیریت بهبود یابد (پورتر و کارمر، ۲۰۱۱).

نظریه‌های مربوط به مسئولیت اجتماعی مؤید آن هستند که مسئولیت اجتماعی به دلیل در نظر گرفتن منافع همه ذی‌نفعان سازمان از جمله محیط زیست، به‌طور عمده تأثیر مثبتی بر عملکرد شرکت‌ها، محیط اطلاعاتی و کیفیت اطلاعات حسابداری می‌گذارد (رحمان، رحمان و بنتلی، ۲۰۱۷؛ کیم و همکاران، ۲۰۱۲). اکنون سؤال این است که آیا روابط سیاسی شرکت با دولت می‌تواند رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و کیفیت گزارشگری مالی را تحت تأثیر قرار دهد یا خیر؟

شواهد چانی و همکاران (۲۰۱۱) نشان داده است کیفیت سود در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی به‌طور معناداری ضعیف‌تر از سایر شرکت‌ها است، زیرا در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی سود ناشی از ارتباطات آنها بیش از هزینه‌هایی است که از بابت این ارتباطات متحمل می‌شوند. مدیران این شرکت‌ها گزارشگری منافع دریافتی ناشی از ارتباطات سیاسی خود را با اهداف عملی برای گمراه کردن سرمایه‌گذاران به تأخیر می‌اندازند تا این که هزینه‌های آنها جبران شود (چپیر^۲ ۱۹۸۹) و لئوز، ناندا و وایسوکي (۲۰۰۳). از طرف دیگر، از آنجا که این شرکت‌ها از یک پشتوانه سیاسی برخوردار هستند نگرانی بابت کیفیت پایین اطلاعات حسابداری آنها کمتر است، زیرا فشار بازار سرمایه بر این شرکت‌ها نسبت به شرکت‌های فاقد ارتباطات سیاسی پایین‌تر است. در واقع شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی توجه کمتری به کیفیت اطلاعاتی که افشاء می‌کنند، دارند و این موضوع در اقلام تعهدی آنها کاملاً مشهود است. در نهایت، با توجه به دو عامل قبلی می‌توان گفت که شرکت‌های با کیفیت سود پایین‌تر احتمالاً ارتباطات سیاسی بیشتری دارند. به‌علاوه، شواهد آنها نشان داد که اگرچه کیفیت سود گزارش شده در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی پایین‌تر از سایر

1. Ramanathan, Ramanathan & Bentley
2. Schipper
3. Leuz, Nanda & Wysocki

شرکت‌ها است، اما آنها توسط بازار جریمه نشدند، زیرا هزینه بدهی پایین‌تری در مقایسه با سایر شرکت‌ها داشتند (رضایی و ویسی حصار، ۱۳۹۳).

حمایت دولت یکی از منافع مسئولیت اجتماعی به شمار می‌رود، زیرا سازمان‌های تجاری نوع-دوست که در برابر مسئولیت اجتماعی خودشان تعهد بیشتری دارند، دعاوی کمتری را از طرف قانون‌گذاران، که ممکن است حکومت یا ممیزین مالیاتی باشند، دریافت می‌کنند (ساندهو و کاپور، ۲۰۱۰). در واقع، امروزه این تفکر در میان واحدهای تجاری به صورت روزافزون در حال شکل‌گیری است که موفقیت بلندمدت آنها می‌تواند از طریق مدیریت کردن عملیات شرکت، همزمان با ایجاد اطمینان از حمایت محیطی و پیشرفت مسئولیت‌های اجتماعی شرکت، تحقق یابد (سامی، ادمیلین و بامپتون، ۲۰۱۰). بنابراین، اجرای مسئولیت اجتماعی شرکت منجر به بهبود موفقیت شرکت‌ها در بلندمدت می‌شود و در نهایت منجر به رشد اقتصادی و افزایش توان رقابتی شرکت و بهبود عملکرد آن می‌گردد. طبق این دیدگاه، روابط سیاسی با دولت بر ارتباط بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و کیفیت سود تأثیر مثبت می‌گذارد. در مقابل، بعضی از مدیران کوتاه‌نگر به خصوص مدیرانی که تازه منصوب شده و به دنبال کسب شهرت هستند، ممکن است با توسل به سیاست‌های کوتاه‌مدت و بی‌توجهی به مسئولیت‌پذیری اجتماعی بلندمدت باعث تأثیر منفی بر عملکرد شرکت شوند (پرستون و ابانون، ۱۹۹۷). از سوی دیگر، مدیریت روابط مابین طیف وسیعی از ذی‌نفعان با اهداف متفاوت، می‌تواند با مصرف منابع بیشتر باعث صدمه دیدن عملکرد مالی شرکت شود (آپرل، کارول و هاتفیلد، ۱۹۸۵). در نهایت، مدیران ممکن است به‌طور فرصت‌طلبانه با استفاده از سیاست‌های حفاظتی در زیر چتر مسئولیت‌پذیری اجتماعی عملکرد شرکت را تخریب نمایند (جونز، ۱۹۹۵). پرستون و ابانون (۱۹۹۷) معتقدند که بسیاری از مدیران فرصت‌طلب، به منظور تأمین منافع شخصی خود، هزینه‌های فعالیت‌های اجتماعی را کاهش می‌دهند و زمانی که عملکرد مالی شرکت ضعیف می‌شود، توجه مردم را به وجهه اجتماعی خود جلب می‌کنند و به نوعی آنها را فریب می‌دهند

-
1. Sandbur & Kapoor
 2. Samy, Odemilin & Bampton
 3. Preston & O'Bannon
 4. Aupperle, Carroll & Hatfield
 5. Jones

(یوشو، چایی لین و آلتایوآ، ۲۰۱۵). بنابراین، طبق این دیدگاه، روابط سیاسی با دولت بر ارتباط بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و کیفیت سود تأثیر منفی می‌گذارد.

مجموعه این شواهد، نشان می‌دهد که پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه اتفاق نظر یکسانی در مورد تأثیر کارآمدی روابط سیاسی با دولت بر ارتباط بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و کیفیت گزارشگری مالی ندارند و تفاوت‌های محیطی بین بازارها تأثیرگذار می‌باشد. بنابراین، با توجه به اینکه تاکنون پژوهشی در ایران در این زمینه صورت نگرفته است، در این پژوهش به این مسأله پرداخته شده است.

پژوهش‌های پیشین که به بررسی رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و کیفیت گزارشگری مالی پرداخته‌اند، شواهدی در ارتباط با هر دو فرضیه تأثیر مثبت و منفی مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر کیفیت گزارشگری مالی ارائه نموده‌اند.

رضایی و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی به ارتباط بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و کیفیت سود پرداختند. نتیجه آنها نشان می‌دهد شرکت‌های دارای رتبه بالاتر مسئولیت‌پذیری اجتماعی، مدیریت سود کمتری نسبت به شرکت‌های با رتبه پایین‌تر مسئولیت‌پذیری اجتماعی دارند. همچنین، سود این شرکت‌ها پایدارتر است و به‌طور دقیق‌تری جریان‌های وجوه نقد عملیاتی آتی را پیش‌بینی می‌کنند. ارنفجورد و ویجت (۲۰۱۸) در پژوهشی به بررسی ارتباط بین افشا مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت و مدیریت سود پرداختند. نتایج آنها نشان می‌دهد شرکت‌هایی با افشا گسترده مسئولیت‌پذیری اجتماعی، از سطح پایین‌تری از مدیریت سود برخوردار هستند و بنابراین، گزارش‌های مالی شفاف‌تری نسبت به سایر شرکت‌ها ارائه می‌دهند. گیل و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت و مدیریت سود را بررسی کردند. یافته‌های پژوهش آنان حاکی از آن بود که شیوه‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر مدیریت سود تأثیر منفی دارد. سالوسکی و زولج (۲۰۱۲) در پژوهشی به بررسی رابطه بین مسئولیت اجتماعی شرکت و میزان مدیریت سود، میزان محافظه‌کاری حسابداری و کیفیت اقلام تعهدی به‌عنوان سه معیار کیفیت گزارشگری مالی پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که (۱) مسئولیت اجتماعی شرکت با میزان مدیریت سود

رابطه مثبت دارد. ۲) مسئولیت اجتماعی شرکت با میزان محافظه‌کاری رابطه منفی دارد. یعنی شرکت‌های با میزان مسئولیت اجتماعی بالاتر، بیشتر احتمال دارد که به مدیریت سود پردازند و نیز خبرهای بد را کمتر به موقع گزارش کنند. جوی و پی^۱ (۲۰۱۱) در پژوهشی با عنوان "اخلاق کسب و کار و کیفیت گزارشگری مالی"، به بررسی رابطه بین مسئولیت اجتماعی شرکت و کیفیت گزارشگری مالی پرداختند. آنها به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های با سطح بالاتری از تعهد اخلاقی، دارای مدیریت سود کمتر، گزارش سود محافظه‌کارانه‌تر و جریان وجه نقد قابل پیش‌بینی‌تری هستند. حجازی و رجب‌دردی (۱۳۹۹) نشان دادند بین افشای اطلاعات مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت و دقت پیش‌بینی مدیران رابطه مثبت و معناداری وجود دارد که مؤید فرضیه افشای شفاف تحت نظریه ذی‌نفعان است. خدایی (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی رابطه بین ایفای مسئولیت اجتماعی و مدیریت سود واقعی و حسابداری در شرکت‌های دارای مالکیت خانوادگی و غیرخانوادگی پرداخت. نتایج او نشان می‌دهد هرچه مسئولیت اجتماعی افزایش یابد مدیریت سود واقعی و مدیریت سود حسابداری کاهش می‌یابد. همچنین، مالکیت خانوادگی تأثیری بر رابطه بین مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و مدیریت سود واقعی و حسابداری ندارد. یافته‌های موسوی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان "تبیین ایفای مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها و تأثیر آن بر خصوصیات کیفی اطلاعات مالی"، نشان داد که بین ایفای مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها و ارزش پیش‌بینی‌کنندگی اطلاعات رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین، بین ایفای مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها با سایر خصوصیات کیفی شامل ارزش تأییدکنندگی، محافظه‌کاری، بی‌طرفی، بیان صادقانه و کامل بودن رابطه‌ای وجود ندارد. عظیمی و گنجی (۱۳۹۵) در پژوهشی به تأثیر مسئولیت اجتماعی شرکت بر کیفیت گزارشگری مالی پرداختند. نتایج پژوهش آنها بیانگر این است که بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت و میزان محافظه‌کاری رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین، بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت و کیفیت ارقام تعهدی نیز رابطه معناداری یافت نشد. به عبارت دیگر، روند رو به رشد مسئولیت‌پذیری اجتماعی در شرکت‌ها لزوماً منجر به تغییرات واقعی در شرکت‌ها نمی‌شود.

پژوهش‌هایی که به بررسی رابطه بین روابط سیاسی با دولت و کیفیت گزارشگری مالی پرداخته‌اند، نیز شواهدی در ارتباط با هر دو فرضیه تأثیر مثبت و منفی روابط سیاسی با دولت بر کیفیت گزارشگری مالی ارائه نموده‌اند.

وانگ، چن، چین و ژنگ (۲۰۱۷)، در پژوهشی به بررسی ارتباط بین توانایی مدیریت، ارتباطات سیاسی و گزارشگری مالی متقلبانه در چین پرداختند. بر اساس یافته‌های آنها، افزایش توانایی مدیریت به کاهش گزارشگری مالی متقلبانه منجر می‌شود. همچنین، ارتباطات سیاسی در شرکت‌ها می‌تواند تأثیر توانایی مدیریت بر احتمال تقلب صورت‌های مالی را تضعیف کند. کوریا (۲۰۱۲)، ارتباط روابط سیاسی و کیفیت اطلاعات حسابداری را در آمریکا بررسی کرد و نشان داد شرکت‌هایی که دارای روابط سیاسی هستند، کمتر از سوی کمیسیون بورس اوراق بهادار جریمه می‌شوند. همچنین، شرکت‌هایی که کیفیت اطلاعات حسابداری آنها پایین‌تر از سایر شرکت‌هاست، برای جلوگیری از جریمه کمیسیون بورس اوراق بهادار، از روابط سیاسی استفاده می‌کنند. سونگ و همکاران (۲۰۱۱)، با بررسی اثر هزینه‌های سیاسی بر مدیریت سود نشان دادند که مدیریت سود در شرکت‌های با روابط سیاسی بالا، کمتر از سایر شرکت‌ها بوده و نوع مدیریت سود بیشتر از نوع حداقل سازی سود بوده است. صالح و دونمور (۲۰۰۹)، به بررسی رابطه بین حمایت سیاسی دولت، حاکمیت شرکتی و کیفیت گزارشگری مالی در مالزی پرداختند. نتایج، نشان داد زمانی که حضور سیاستمداران در هیأت مدیره شرکت‌ها به‌عنوان نماینده حمایت سیاسی دولت در نظر گرفته می‌شود، این مسأله منجر به تضعیف حاکمیت شرکتی و کاهش کیفیت گزارشگری مالی می‌شود، اما زمانی که مالکیت دولتی به‌عنوان نماینده حمایت سیاسی دولت در نظر گرفته می‌شود، این عامل، بهبود حاکمیت شرکتی و افزایش کیفیت گزارشگری مالی را به دنبال دارد. نتایج معطوفی و مهرپرور (۱۳۹۸) نیز نشان می‌دهند بین ارتباطات سیاسی و هزینه نمایندگی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین، کیفیت حسابرسی رابطه بین ارتباطات سیاسی و هزینه نمایندگی را تعدیل می‌کند. منصورفر، قادری و دانشیار (۱۳۹۶) در پژوهشی به اثر فرضیه سیاسی (هزینه‌های سیاسی) بر کیفیت گزارشگری مالی با رویکرد الگوسازی معادلات ساختاری پرداختند. نتایج حاکی از آن است که هزینه‌های سیاسی

اثر منفی و معناداری بر کیفیت گزارشگری مالی دارد. رضایی و ویسی حصار (۱۳۹۳) در پژوهشی اثر روابط سیاسی با دولت را بر رابطه بین تمرکز مالکیت با کیفیت گزارشگری مالی و هزینه سهام عادی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار دادند. نتایج آزمون نشان داد که در شرکت‌هایی با ساختار مالکیت متمرکز، کیفیت سود بالا است، اما در شرکت‌های دارای روابط سیاسی گسترده با دولت که ساختار مالکیت متمرکزی دارند، کیفیت سود پایین است. همچنین، در شرکت‌هایی با ساختار مالکیت متمرکز، هزینه سهام عادی پایین و در شرکت‌های دارای روابط سیاسی گسترده با دولت که ساختار مالکیت متمرکزی دارند، هزینه سهام عادی بالا است.

مباحث فوق بیانگر این است که شواهد تجربی مربوط به تأثیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی و روابط سیاسی با دولت بر کیفیت گزارشگری مالی متفاوت است. به عبارت دیگر، تأثیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی و روابط سیاسی با دولت بر پیامدهای شرکت وابسته به نیرومندی نسبی منافع و هزینه‌ها است. بنابراین، نیازمند پژوهش‌های تجربی بیشتری است.

فرضیه‌های پژوهش

کیفیت گزارشگری به میزان بیان و آشکارسازی وضعیت اقتصادی یک شرکت به وسیله گزارش‌های مالی و عملکرد آن در طول دوره مالی به شیوه صحیح و صادقانه اشاره دارد. طبق بیانیه مفهومی شماره یک هیئت استانداردهای حسابداری مالی (FASB)، گزارشگری مالی باید اطلاعات سودمندی فراهم کند که سرمایه‌گذاران بالفعل و بالقوه را در انجام تصمیم‌گیری‌های منطقی یاری رساند. میزان محافظه‌کاری در تهیه گزارش‌های مالی معیاری است که از طریق آن می‌توان کیفیت گزارشگری مالی را اندازه‌گیری کرد. محافظه‌کاری یکی از ویژگی‌های گزارشگری مالی است که عبارت از استفاده درجه بالاتر تأییدپذیری برای شناسایی و ثبت سودها و اخبار خوشایند و در مقابل استفاده از درجه پایین‌تر تأییدپذیری برای شناسایی و ثبت زیان‌ها و اخبار ناخوشایند، است (باسو، ۱۹۹۷). بنابر نظریه عدم قطعیت، اصولاً عدم قطعیت در ذات و طبیعت وقایع وجود دارد.

حسابداری و گزارشگری مالی نیز از این قاعده مستثنی نیست. اصل محافظه کاری یا احتیاط، از اولین و اصلی‌ترین راه‌های مواجهه با ابهام موجود در تراکنش و رویدادهای واحد اقتصادی است (برادران حسن‌زاده؛ حسینی نسب و علیمی، ۱۳۹۳).

در ادبیات مالی، ارتباط بین روابط سیاسی با دولت و کیفیت گزارشگری مالی (در این پژوهش: ارزش محافظه کاری سود) بر مبنای نظریه نمایندگی قابل تفسیر است. بر اساس نظریه نمایندگی، سهامداران و سرمایه‌گذاران علاقه دارند بازده سرمایه‌گذاری و قیمت اوراق بهادار حداکثر شود، حال آنکه الزاماً این موضوع به حداکثر کردن تابع مطلوبیت مدیران شرکت‌های دارای روابط سیاسی با دولت منجر نمی‌شود. بر این اساس، قانون‌گذاران و بازیگران بازار سرمایه همواره به دنبال سازوکارهایی بودند تا تابع مطلوبیت مدیران و ذی‌نفعان را همسو و هم‌جهت سازند. کیم و همکاران (۲۰۱۲) معتقدند مسئولیت‌پذیری اجتماعی، یک سازوکار نظارتی برای در کنترل در آوردن مشکلات نمایندگی است. به عبارتی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی سبب کاهش هزینه‌های نمایندگی می‌شود و این سطح پایین هزینه‌های نمایندگی شرکت‌ها، در کیفیت اطلاعات ارائه شده آنها منعکس خواهد شد. بر این اساس، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، در مدیران انگیزه‌ای را فراهم می‌کند که با دقت هرچه بیشتر منافع آنها با منافع سهامداران منطبق شود. بنابراین، انتظار می‌رود اجرای سازوکار مسئولیت‌پذیری اجتماعی با افزایش کیفیت اطلاعات ارائه شده از سوی مدیران شرکت‌های دارای روابط سیاسی با دولت و کاهش هزینه‌های نمایندگی، اطمینان و اعتماد سرمایه‌گذاران به درستی ارقام حسابداری افزایش یابد و همچنین، ارزش محافظه کاری سودهای واحدهای تجاری برای آنان بهبود یابد. به عبارت دیگر، با توجه به تمرکز سرمایه‌گذاران به رقم نهایی سود، انتظار می‌رود افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی، موجب تغییر کیفیت سود ارائه شده از سوی مدیران شود و در نتیجه، بر سودمندی و ارزش محافظه کاری سود تأثیر بگذارد. علی‌رغم این نظرات، طیف دیگری از پژوهشگران، بر این دیدگاه هستند که مسئولیت‌پذیری اجتماعی موجب افزایش جریان‌های اطلاعاتی، نه لزوماً اطلاعات با کیفیت، به بازار می‌شوند. در این رابطه سالوسکی و زولیچ (۲۰۱۲) معتقدند مسئولیت‌پذیری اجتماعی موجب می‌شود مدیران اطلاعات ناقص و غیرشفافی درباره عملکرد مالی و چشم‌اندازهای آتی شرکت افشا کنند که این امر موجب کاهش در کیفیت اطلاعات

ارائه شده به بازار می‌شود. به عبارت دیگر، مدیران ممکن است به طور استراتژیک، از افشای مسئولیت اجتماعی برای پنهان کردن رفتار فرصت‌طلبانه خود استفاده کنند. بر همین اساس، نحوه تأثیر روابط سیاسی با دولت بر ارتباط بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها موضوعی است که پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به آن است.

با توجه به مبانی نظری ارائه شده، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر تدوین می‌شوند:

فرضیه اول: بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و محافظه‌کاری حسابداری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: روابط سیاسی شرکت بر رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و محافظه‌کاری حسابداری تأثیر منفی و معناداری دارد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر، توصیفی از نوع همبستگی و بر مبنای هدف از نوع کاربردی است و به روش پس‌رویدادی انجام شده است. مبانی نظری و پیشینه پژوهش، به روش کتابخانه‌ای و داده‌های مورد نظر آزمون فرضیه‌ها نیز از گزارش‌های مالی موجود در آرشیو بورس اوراق بهادار تهران، بانک‌های اطلاعاتی موجود در بازار همچون ره‌آورد نوین و اطلاعات موجود در سایت کدال، جمع‌آوری گردید. شایان ذکر است تجزیه‌تحلیل نهایی داده‌ها به کمک نرم‌افزار ایویوز انجام گرفته است. جامعه آماری پژوهش از کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران که از ابتدای سال ۱۳۹۳ تا پایان سال ۱۳۹۹ در بورس فعال بوده‌اند، تشکیل شده است. از آنجا که برای اندازه‌گیری بعضی از متغیرهای پژوهش از اطلاعات چند سال قبل از سال مورد بررسی استفاده می‌شود، به این اطلاعات از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۹ نیاز است. در انتخاب شرکت‌ها، معیارهای گزینشی زیر انتخاب گردید: به منظور افزایش قابلیت مقایسه، پایان سال مالی شرکت‌های مورد مطالعه منتهی به ۲۹ اسفندماه در هر سال باشد؛ به منظور همگن‌سازی جامعه آماری، شرکت‌ها در طول دوره پژوهش تغییر سال مالی نداده باشند؛ نوع فعالیت شرکت‌ها، تولیدی بوده و لذا جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی (به دلیل تفاوت در ماهیت و نوع فعالیت) نباشد؛ به منظور سیال بودن سهام شرکت‌ها و در نتیجه قابل اتکا بودن قیمت سهام و بازده آن و جهت مقایسه بهتر، شرکت‌ها بیش از سه ماه وقفه معاملاتی نداشته

باشند؛ داده‌های لازم در دوره پژوهش برای آنها به‌طور کامل در دسترس باشد. بر این اساس، تعداد ۱۲۴ شرکت که حائز شرایط فوق بودند برای آزمون فرضیه‌های پژوهش انتخاب شدند.

الگوها و متغیرهای پژوهش

بر اساس پژوهش‌های انجام شده (حیدر، سینگ و سلطانا؛ ۲۰۲۱؛ چانی و همکاران، ۲۰۱۱؛ رضایی و همکاران، ۲۰۱۹)، برای آزمون فرضیه اول از الگوی (۱) و (۲) به شرح زیر استفاده شده است:

الگو (۱)

$$\text{CONS_ACC} = \beta_0 + \beta_1 \text{CSR} + \beta_2 \text{Firm_Size} + \beta_3 \text{M/B} + \beta_4 \text{Leverage} \\ + \beta_5 \text{ROA} + \beta_6 \text{Sales_Growth} + \beta_7 \text{Loss} + \beta_8 \text{B_Size} \\ + \beta_9 \text{P_Ac_Fin} + \varepsilon$$

الگو (۲)

$$\text{CONS_B/M} = \beta_0 + \beta_1 \text{CSR} + \beta_2 \text{Firm_Size} + \beta_3 \text{M/B} + \beta_4 \text{Leverage} \\ + \beta_5 \text{ROA} + \beta_6 \text{Sales_Growth} + \beta_7 \text{Loss} + \beta_8 \text{B_Size} \\ + \beta_9 \text{P_Ac_Fin} + \beta_{10} \text{Ret} + \varepsilon$$

بر اساس پژوهش‌های انجام شده (حیدر و همکاران، ۲۰۲۱؛ چانی و همکاران، ۲۰۱۱؛ رضایی و همکاران، ۲۰۱۹)، برای آزمون فرضیه دوم از الگوی (۳) و (۴) به شرح زیر استفاده شده است:

الگو (۳)

$$\text{CONS_ACC} = \beta_0 + \beta_1 \text{CSR} + \beta_2 \text{CSR} \times \text{PCON} + \beta_3 \text{Firm_Size} + \beta_4 \text{M/B} \\ + \beta_5 \text{Leverage} + \beta_6 \text{ROA} + \beta_7 \text{Sales_Growth} + \beta_8 \text{Loss} \\ + \beta_9 \text{B_Size} + \beta_{10} \text{P_Ac_Fin} + \varepsilon$$

الگو (۴)

$$\text{CONS_B/M} = \beta_0 + \beta_1 \text{CSR} + \beta_2 \text{CSR} \times \text{PCON} + \beta_3 \text{Firm_Size} + \beta_4 \text{M/B} \\ + \beta_5 \text{Leverage} + \beta_6 \text{ROA} + \beta_7 \text{Sales_Growth} + \beta_8 \text{Loss} \\ + \beta_9 \text{B_Size} + \beta_{10} \text{P_Ac_Fin} + \beta_{11} \text{Ret} + \varepsilon$$

متغیر وابسته

محافظه‌کاری حسابداری (CONS_ACC): به پیروی از گیولی و هاین^۱ (۲۰۰۰)، معیار اول محافظه‌کاری از طریق اقلام تعهدی به‌عنوان کل سود قبل از اقلام غیرمترقبه بعلاوه هزینه استهلاک منهای جریان نقدی عملیاتی تقسیم بر کل دارایی‌ها، به‌طور میانگین طی دوره سه ساله متمرکز بر دوره t اندازه‌گیری شده است. مقدار حاصله CONS_ACC در t-۱ ضرب شده است تا مقادیر بالاتر نمایانگر محافظه‌کاری حسابداری بیشتر باشد.

محافظه‌کاری حسابداری (CONS_B/M): معیار دوم نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام است. به پیروی از بیور و ریان^۲ (۲۰۰۰) متغیر محافظه‌کاری به‌عنوان کل دارایی‌ها منهای کل بدهی‌ها تقسیم بر ارزش بازار سهام شرکت i برای دوره زمانی t ضرب در t-۱، محاسبه شده است.

متغیر مستقل

محافظه‌کاری حسابداری (CONS_ACC): به پیروی از گیولی و هاین^۳ (۲۰۰۰)، معیار اول محافظه‌کاری از طریق اقلام تعهدی به‌عنوان کل سود قبل از اقلام غیرمترقبه بعلاوه هزینه استهلاک منهای جریان نقدی عملیاتی تقسیم بر کل دارایی‌ها، به‌طور میانگین طی دوره سه ساله متمرکز بر دوره t اندازه‌گیری شده است. مقدار حاصله CONS_ACC در t-۱ ضرب شده است تا مقادیر بالاتر نمایانگر محافظه‌کاری حسابداری بیشتر باشد.

محافظه‌کاری حسابداری (CONS_B/M): معیار دوم نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام است. به پیروی از بیور و ریان^۴ (۲۰۰۰) متغیر محافظه‌کاری به‌عنوان کل دارایی‌ها منهای کل بدهی‌ها تقسیم بر ارزش بازار سهام شرکت i برای دوره زمانی t ضرب در t-۱، محاسبه شده است.

1. Givoly & Hayn
2. Beaver & Ryan
3. Givoly & Hayn
4. Beaver & Ryan

نگاره ۱. معیارهای اندازه‌گیری مسئولیت پذیری اجتماعی

معیارهای اندازه‌گیری	ابعاد مسئولیت اجتماعی
۱- کنترل آلودگی؛ ۲- جلوگیری از خسارات زیست محیطی؛ ۳- بازیافت یا جلوگیری از ضایعات؛ ۴- حفظ منابع طبیعی؛ ۵- تحقیق و توسعه؛ ۶- سیاست زیست محیطی	زیست محیطی
۱- توسعه محصول/ سهم بازار؛ ۲- کیفیت محصول؛ ۳- توقف تولید و سایر محصولات و خدمات	محصولات و خدمات
۱- تعداد کارکنان؛ ۲- حقوق ماهانه/ پاداش نقدی و مزایا؛ ۳- سهام تحت تملک کارکنان؛ ۴- بازتنسنگی و مزایای پایان خدمت؛ ۵- سلامتی و ایمنی در محیط کار (استاندارد ۱۸۰۰۱)؛ ۶- برنامه‌های آموزش و توسعه کارکنان؛ ۷- ورزشی و رفاهی؛ ۸- وام یا بیمه کارکنان؛ ۹- روحیه و ارتباطات کارکنان	منابع انسانی
۱- سلامتی مشتریان؛ ۲- شکایات/ رضایت‌مندی مشتریان؛ ۳- سیاست پرداخت دیرتر برای مشتریان خاص؛ ۴- تدارک تسهیلات و خدمات پس از فروش؛ ۵- پاسخ‌گویی به نیاز مشتریان و سایر مشتریان	مشتریان
۱- سرمایه‌گذاری اجتماعی؛ ۲- حمایت از فعالیت‌های جامعه؛ ۳- هدایا و خدمات خیریه؛ ۴- اقدامات قانونی/ دعاوی قضائتی؛ ۵- فعالیت‌های مذهبی/ فرهنگی	اجتماعی
۱- حفظ و صرفه‌جویی در انرژی؛ ۲- توسعه و اکتشاف منابع جدید؛ ۳- استفاده از منابع جدید	انرژی

روابط سیاسی با دولت (PCON): در این پژوهش، جهت اندازه‌گیری ارتباطات سیاسی از مطالعات انجام شده توسط فان و وانگ^۲(۲۰۰۶)، فان و همکاران^۳(۲۰۰۸)، لین و همکاران^۴(۲۰۱۵)، خان، میهرت و موتاکین^۵(۲۰۱۶) و ابراهیمی، بهرامی نسب و کریمی (۱۳۹۷) پیروی شده است. بدین ترتیب، شرکت‌هایی که نسبت بدهی بلندمدت به کل بدهی آنها بیشتر از میانگین کل شرکت‌ها

۱. استاندارد ۱۸۰۰۱ چارچوبی برای سیستم مدیریت ایمنی و بهداشت حرفه‌ای (OHS) است و بخشی از OHSAS 18000 (که بعضی اوقات به عنوان استاندارد ISO 18000 شناخته می‌شود) همراه با OHSAS 18002 می‌باشد. این استاندارد کمک کند تا سیاست‌ها، رویه‌ها و کنترل‌هایی که برای دستیابی به بهترین شرایط کاری و محیط کاری و ایمنی محل کار، مطابق با بهترین روش‌های شناخته شده بین‌المللی لازم است را سازمان‌ها انجام دهند.

2. Fan & Wang
3. Fan, Rui & Zhao
4. Lin, Karim & Carter
5. Khan, Mihret & Muttakin

باشد، به‌عنوان شرکت‌های دارای روابط سیاسی با دولت شناخته شده و به آنها ارزش ۱ اختصاص می‌یابد و مابقی شرکت‌ها ارزش صفر اختصاص یافته است.

متغیر کنترل

اندازه شرکت (Firm_Size): لگاریتم طبیعی ارزش دفتری کل دارایی‌های شرکت i برای دوره t ، است.
عملکرد شرکت (M/B): نسبت ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام شرکت i برای دوره t ، است.

اهرم (Leverage): کل بدهی‌ها تقسیم بر کل دارایی‌های شرکت i در دوره t ، است.
سودآوری (ROA): سود خالص پس از مالیات تقسیم بر کل دارایی‌های شرکت i برای دوره زمانی t ، است.

رشد (Sales_Growth): تغییر سالانه فروش شرکت i برای دوره زمانی t ، است.
زیان ده بودن (Loss): متغیر مجازی برابر با ۱ است اگر شرکت i برای دوره زمانی t ، زیان گزارش کند، در غیر این صورت، صفر است.

اندازه هیئت مدیره (B_Size): لگاریتم طبیعی تعداد اعضای هیئت مدیره شرکت i برای دوره زمانی t ، است.
تخصیص مالی کمیته حسابرسی (P_Ac_Fin): درصد اعضای هیئت مدیره با تخصص مالی، است.
بازده (Ret): بازده سالانه سهام شرکت i برای دوره زمانی t ، است.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات، ابتدا آمار توصیفی داده‌های تحت بررسی محاسبه گردید و در نگاره ۲ شاخص‌های مرکزی و پراکنندگی ارائه می‌شود.

نگاره ۲. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
محافظه کاری حسابداری ۱	-۰/۰۲۵	-۰/۰۲۳	۰/۳۰۱	-۰/۴۱۲	۰/۰۸۲
محافظه کاری حسابداری ۲	-۰/۴۲۳	-۰/۳۸۶	-۰/۰۰۷	-۲/۵۶۶	۰/۲۶۷
مسئولیت پذیری اجتماعی	۰/۵۳۸	۰/۵۴۸	۰/۷۴۲	۰/۲۲۶	۰/۱۲۷
روابط سیاسی با دولت	۰/۵۰۲	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۵۰۰
اندازه شرکت	۱۴/۵۴۹	۱۴/۳۴۳	۲۰/۱۸۳	۱۱/۰۳۵	۱/۴۷۱
عملکرد شرکت	۴/۰۸۳	۲/۵۸۷	۵۱/۸۸۲	۰/۳۹۰	۶/۶۸۳
اهرم	۰/۵۴۶	۰/۵۴۸	۰/۹۸۷	۰/۰۳۷	۰/۱۷۵
سودآوری	۰/۱۳۶	۰/۱۱۳	۰/۶۲۷	-۰/۲۹۸	۰/۱۳۸
رشد	۰/۲۵۷	۰/۱۸۶	۶/۵۵۵	-۰/۶۰۳	۰/۴۶۶
زیان ده بودن	۰/۰۷۸	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۲۶۹
اندازه هیات مدیره	۱/۶۱۳	۱/۶۰۹	۱/۹۴۶	۱/۶۰۹	۰/۰۳۴
تخصیص مالی کمیته حسابرسی	۰/۶۴۷	۰/۶۶۷	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۳۳۴
بازده	۱/۱۶۳	۰/۴۰۵	۲۴/۲۴۸	-۰/۶۵۸	۲/۱۷۲

با توجه به نتایج نگاره ۲ می توان بیان کرد که میانگین محافظه کاری مبتنی بر بازار شرکت های مورد بررسی بیشتر از محافظه کاری مبتنی بر ارقام تعهدی است. میانگین مسئولیت پذیری اجتماعی برابر با ۰/۵۳۸ است که بیشترین رتبه را شرکت موتورسازان تراکتور و کمترین رتبه را شرکت مهندسی حمل و نقل پتروشیمی به خود اختصاص دادند. مقدار میانگین برای متغیر اندازه شرکت برابر با ۱۴/۵۴۹ می باشد. با توجه به مقدار حداقل و حداکثر این متغیر می توان گفت شرکت های مورد بررسی از اندازه نسبی خوبی برخوردار هستند. میانگین ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام با مقدار ۴/۰۸۳ نشان می دهد که به طور متوسط ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت های مورد بررسی طی یک سال ۴/۰۸ برابر بیشتر از ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام آنها است. میانگین نسبت کل بدهی ها به کل دارایی ها برابر با ۰/۵۴۶ است. یعنی،

به‌طور میانگین، حدود ۵۵ درصد سرمایه شرکت‌های مورد بررسی از محل بدهی‌ها تأمین شده است. میانگین بازده دارایی‌ها نشان می‌دهد که به‌طور متوسط طی یک سال حدود ۱۴٪ از سودآوری شرکت‌های مورد بررسی از محل دارایی‌ها بوده است. با توجه به مثبت بودن میانگین رشد فروش می‌توان چنین استنباط نمود که میزان فروش شرکت‌های مورد بررسی در حال افزایش است. میانگین زیان خالص نیز بیانگر این است که به‌طور متوسط طی یک سال حدود ۸٪ از شرکت‌های مورد بررسی، زیان خالص گزارش کرده‌اند. میانگین تخصص مالی کمیته حسابرسی نیز حاکی است حدود ۶۵٪ از کل اعضای کمیته حسابرسی را متخصصان مالی تشکیل می‌دهند. در نهایت، میانگین بازده سالانه شرکت‌های مورد بررسی حدود ۱۱۶٪ است.

آزمون‌های پیش‌فرض الگوهای رگرسیونی

قبل از تخمین الگوها، بررسی فروض کلاسیک رگرسیون خطی، حائز اهمیت اساسی است. در مواردی که از داده‌های ترکیبی استفاده می‌شود، از فروض کلاسیک رگرسیون، تنها فرض همسان بودن واریانس‌ها و وجود یا عدم وجود خودهمبستگی (هاشمی و مشعشی، ۱۳۹۷) موضوعیت پیدا می‌کند. از این‌رو، ابتدا فرض همسان بودن واریانس‌ها مورد بررسی قرار گرفت که در این پژوهش از آزمون وایت استفاده شده است. در صورتی که الگو دچار ناهمسانی واریانس باشد، برای رفع آن از روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) استفاده می‌شود و در غیراینصورت، روش حداقل مربعات معمولی (OLS) برای تخمین الگو به کار می‌رود (سوری، ۱۳۹۳). همچنین، برای بررسی خودهمبستگی، از آزمون دورین-واتسون استفاده شده است. جهت پایایی متغیرهای پژوهش نیز از آزمون دیکی فولر استفاده شده است. از سوی دیگر، به منظور انتخاب روش برآورد الگو به‌صورت ترکیبی یا تلفیقی از آزمون اف لیمر و به منظور انتخاب رویکرد اثرات ثابت یا تصادفی از آزمون هاسمن بهره گرفته شده است. در نهایت، فرضیه‌ها از طریق نتایج حاصل از الگوهای اقتصادسنجی و رگرسیون چند متغیره مورد آزمون قرار گرفته است. به منظور تعیین معنی‌دار بودن الگوی رگرسیون از آماره اف فیشر و برای بررسی معنی‌دار بودن ضریب متغیرهای مستقل در هر الگو، از آماره تی استیودنت استفاده شده است (افلاطونی و نیکبخت، ۱۳۸۹).

نتایج مربوط به آزمون پایایی متغیرهای پژوهش در نگاره ۳ و نتایج آزمون اف لیمر، آزمون هاسمن و آزمون وایت در نگاره ۴ ارائه شده است. نتایج مربوط به سایر آزمون‌ها نیز در قسمت نتایج آزمون هر فرضیه، آورده شده است.

نگاره ۳. نتایج آزمون پایایی متغیرهای پژوهش

نتیجه	سطح معناداری	آماره آزمون	متغیر
پایا	۰/۰۰۰	-۱۰/۰۸۹	محافظه کاری حسابداری ۱
پایا	۰/۰۰۰	-۹/۴۲۰	محافظه کاری حسابداری ۲
پایا	۰/۰۰۰	-۷/۴۳۰	مسئولیت پذیری اجتماعی
پایا	۰/۰۰۰	-۱۴/۹۴۹	روابط سیاسی با دولت
پایا	۰/۰۰۰	-۹/۰۱۹	اندازه شرکت
پایا	۰/۰۰۰	-۹/۵۲۵	عملکرد شرکت
پایا	۰/۰۰۰	-۱۳/۱۰۳	اهرم
پایا	۰/۰۰۰	-۱۳/۹۸۵	سودآوری
پایا	۰/۰۰۰	-۲۰/۲۸۳	رشد
پایا	۰/۰۰۰	-۱۸/۶۷۰	زیان ده بودن
پایا	۰/۰۰۰	-۸/۰۳۳	اندازه هیات مدیره
پایا	۰/۰۰۰	-۱۳/۷۸۸	تخصیص مالی کمیته حسابرسی
پایا	۰/۰۰۰	-۶/۸۸۴	بازده

نتایج ارائه شده در نگاره ۳ نشان می‌دهد سطح معناداری آماره آزمون دیکی فولر کمتر از ۰/۰۵ است و فرضیه صفر مبنی بر ریشه واحد برای متغیرها تأیید نمی‌شود. این مطلب بیانگر این است که میانگین و واریانس متغیرها در طول زمان و کواریانس آنها بین سال‌های مختلف ثابت است و رگرسیون استفاده شده برای آزمون فرضیه‌های پژوهش کاذب نیست. بنابراین، متغیرهای پژوهش مانا هستند.

نگاره ۴. نتایج آزمون‌های F لیمر، هاسمن و وایت

الگو	نوع آزمون	مقدار آماره	سطح معناداری	الگو	نوع آزمون	مقدار آماره	سطح معناداری
۱	اف لیمر	۵/۳۳۲	۰/۰۰۰	۳	اف لیمر	۵/۰۴۶	۰/۰۰۰
۱	هاسمن	۲۱/۳۰۵	۰/۰۱۱	۳	هاسمن	۲۵/۶۰۲	۰/۰۰۴
۱	وایت	۱/۴۸۳	۰/۰۱۸	۳	وایت	۱/۴۹۷	۰/۰۱۰
۲	اف لیمر	۳/۶۸۶	۰/۰۰۰	۴	اف لیمر	۳/۶۵۷	۰/۰۰۰
۲	هاسمن	۸۳/۵۵۸	۰/۰۰۰	۴	هاسمن	۸۱/۸۳۶	۰/۰۰۰
۲	وایت	۴/۴۵۹	۰/۰۰۰	۴	وایت	۳/۹۹۶	۰/۰۰۰

با توجه به سطح معناداری به دست آمده از آزمون اف لیمر و آزمون هاسمن، برای تخمین الگوهای پژوهش از روش داده‌های تابلویی با رویکرد اثرات ثابت استفاده شده است. طبق آزمون وایت، به دلیل ناهمسانی واریانس از روش حداقل مربعات تعمیم یافته برای برآورد الگوها استفاده شده است.

نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش

نتیجه حاصل از تخمین الگوهای فرضیه اول پژوهش در نگاره ۵ ارائه شده است:

نگاره ۵. نتایج آزمون ارتباط بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و محافظه‌کاری حسابداری

متغیر	رویکرد مبتنی بر اقلام تعهدی			رویکرد مبتنی بر بازار		
	ضرایب	آماره t	سطح معناداری	ضرایب	آماره t	سطح معناداری
عرض از مبدأ	۰/۰۵۴	۰/۳۸۳	۰/۷۰۲	-۰/۸۹۸	-۱/۰۵۰	۰/۲۹۴
مسئولیت‌پذیری اجتماعی	۰/۰۶۲	۲/۲۳۶	۰/۰۲۶	۰/۱۱۵	۲/۰۰۱	۰/۰۴۶
اندازه شرکت	-۰/۰۰۹	-۳/۳۱۷	۰/۰۰۱	۰/۰۰۵	۰/۲۳۲	۰/۸۱۷
عملکرد شرکت	۰/۰۰۰۳	۱/۱۰۵	۰/۲۷۰	۰/۰۰۷	۲/۱۵۴	۰/۰۳۲
اهرم مالی	۰/۰۴۷	۲/۵۸۷	۰/۰۱۰	۰/۴۸۴	۵/۴۷۴	۰/۰۰۰
سودآوری	-۰/۱۲۶	-۵/۴۲۳	۰/۰۰۰	۰/۵۶۶	۸/۱۶۷	۰/۰۰۰
رشد فروش	۰/۰۱۰	۳/۶۱۵	۰/۰۰۰	۰/۰۱۲	۱/۵۸۵	۰/۱۱۳
زیان‌ده بودن	۰/۰۱۰	۱/۵۷۱	۰/۱۱۷	۰/۰۳۲	۱/۵۲۸	۰/۱۲۷
اندازه هیأت مدیره	۰/۰۰۷	۰/۰۸۸	۰/۹۳۰	-۰/۰۶۷	-۰/۱۲۳	۰/۹۰۲
تخصیص مالی کمیته حسابرسی	-۰/۰۰۴	-۰/۶۲۵	۰/۵۳۲	۰/۰۵۶	۴/۳۳۶	۰/۰۰۰
بازده				۰/۰۳۸	۶/۶۸۷	۰/۰۰۰
ضریب تعیین (تعدیل شده)	۰/۲۱۲ (۰/۱۹۸)			۰/۷۵۸ (۰/۷۱۴)		
آماره دوربین واتسون	۱/۸۸			۱/۶۲		
آماره اف فیشر (سطح معناداری)	۱۵/۲۹۵ (۰/۰۰۰)			۱۷/۲۹۸ (۰/۰۰۰)		

مقدار آماره دورین-واتسون، عدم همبستگی در اجزاء باقیمانده الگوهای رگرسیونی را تأیید می‌کند. با توجه به سطح معنی‌داری آماره اف فیشر، معناداری کل رگرسیون‌ها در سطح اطمینان ۹۵٪ تأیید می‌شود. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده الگوها نشان می‌دهد که مجموعاً ۲۰٪ و ۷۱٪ از تغییرات حاصله در متغیر وابسته می‌تواند توسط متغیرهای مستقل و معنی‌دار شده در این الگوها توضیح داده شود. با توجه به نتایج به‌دست آمده در نگاره ۵ از برآورد الگو با متغیر وابسته محافظه‌کاری با رویکرد مبتنی بر اقلام تعهدی، ضریب متغیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی (CSR) برابر ۰/۰۶۲ و سطح معناداری آن برابر با ۰/۰۲۶ و کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ است. بنابراین، بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و محافظه‌کاری با رویکرد مبتنی بر اقلام تعهدی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین، نتایج با متغیر وابسته محافظه‌کاری با رویکرد مبتنی بر بازار نشان می‌دهد ضریب متغیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی (CSR) برابر ۰/۱۱۵ و سطح معناداری آن برابر با ۰/۰۴۶ و کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ است. بنابراین، بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و محافظه‌کاری با رویکرد مبتنی بر بازار رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. در نتیجه، فرضیه اول در سطح اطمینان ۰/۹۵ رد نمی‌شود. بنابراین، می‌توان گفت که با افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی، سطح محافظه‌کاری حسابداری شرکت افزایش می‌یابد.

نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش

نتیجه حاصل از تخمین الگوهای فرضیه دوم پژوهش در نگاره ۶ ارائه شده است:

نگاره ۶. نتایج آزمون تأثیر روابط سیاسی با دولت بر ارتباط بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و محافظه‌کاری حسابداری

متغیر	رویکرد مبتنی بر اقلام تعهدی			رویکرد مبتنی بر بازار		
	ضرایب	آماره t	سطح معناداری	ضرایب	آماره t	سطح معناداری
عرض از مبدا	۰/۰۳۵	۰/۲۵۴	۰/۸۰۰	-۰/۹۰۶	-۱/۰۷۷	۰/۲۸۲
مسئولیت‌پذیری اجتماعی	۰/۰۵۰	۱/۸۱۵	۰/۰۷۰	۰/۱۳۴	۲/۳۴۲	۰/۰۱۹
روابط سیاسی با دولت × مسئولیت‌پذیری اجتماعی	۰/۰۲۶	۳/۴۷۲	۰/۰۰۱	-۰/۰۳۸	-۳/۶۲۱	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	-۰/۰۰۹	-۳/۲۹۵	۰/۰۰۱	۰/۰۰۵	۰/۲۵۲	۰/۸۰۱
عملکرد شرکت	۰/۰۰۰۳	۱/۰۵۹	۰/۲۹۰	۰/۰۰۷	۲/۱۰۸	۰/۰۳۵
اهرم	۰/۰۶۰	۳/۲۸۴	۰/۰۰۱	۰/۴۷۲	۵/۳۱۷	۰/۰۰۰
سودآوری	-۰/۱۱۹	-۵/۱۴۸	۰/۰۰۰	۰/۵۶۰	۸/۱۹۷	۰/۰۰۰
رشد	۰/۰۱۰	۳/۶۵۹	۰/۰۰۰	۰/۰۱۱	۱/۵۷۶	۰/۱۱۶

رویکرد مبتنی بر بازار		رویکرد مبتنی بر اقلام تعهدی			متغیر	
سطح معناداری	آماره t	ضرایب	سطح معناداری	آماره t		ضرایب
۰/۱۲۲	۱/۵۵۰	۰/۰۳۲	۰/۱۴۴	۱/۴۶۲	۰/۰۰۹	زیان ده بودن
۰/۹۱۲	-۰/۱۱۱	-۰/۰۶۰	۰/۸۹۲	۰/۱۳۶	۰/۰۱۱	اندازه هیات مدیره
۰/۰۰۰	۴/۰۶۴	۰/۰۵۴	۰/۴۷۵	-۰/۷۱۵	-۰/۰۰۵	تخصص مالی کمیته حسابرسی
۰/۰۰۰	۶/۷۰۷	۰/۰۳۸				بازده
(۰/۷۱۶)۰/۷۶۰		(۰/۲۰۶)۰/۲۲۱			ضریب تعیین (تعدیل شده)	
۱/۶۳		۱/۸۷			آماره دورین واتسون	
(۰/۰۰۰)۱۷/۳۰۸		(۰/۰۰۰)۱۵/۰۹۰			آماره F فیشر (سطح معناداری)	

مقدار آماره دورین-واتسون، عدم همبستگی در اجزاء باقیمانده الگوهای رگرسیونی را تأیید می‌کند. با توجه به سطح معنی‌داری آماره اف‌فیشر، معناداری کل رگرسیون‌ها در سطح اطمینان ۹۵٪ تأیید می‌شود. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده الگوها نشان می‌دهد که مجموعاً ۲۱٪ و ۷۲٪ از تغییرات حاصله در متغیر وابسته می‌تواند توسط متغیرهای مستقل و معنی‌دار شده در این الگوها توضیح داده شود. با توجه به نتایج به دست آمده در نگاره ۶ از برآورد الگو با متغیر وابسته محافظه‌کاری با رویکرد مبتنی بر اقلام تعهدی، ضریب متغیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی (CSR) برابر ۰/۰۵۰ و سطح معناداری آن برابر با ۰/۰۷۰ و کمتر از سطح خطای ۰/۱ است. بنابراین، بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و محافظه‌کاری با رویکرد مبتنی بر اقلام تعهدی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین، ضریب متغیر تعاملی مسئولیت‌پذیری اجتماعی*روابط سیاسی با دولت (CSR*PCON) برابر ۰/۰۲۶ و سطح معناداری آن برابر با ۰/۰۰۱ و کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ است. مقایسه ضرایب نشان می‌دهد روابط سیاسی با دولت بر ارتباط بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و محافظه‌کاری با رویکرد مبتنی بر اقلام تعهدی تأثیر منفی و معناداری دارد، زیرا ضریب مسئولیت‌پذیری اجتماعی از ۰/۰۵۰ به ۰/۰۲۶ در شرکت‌های دارای روابط سیاسی با دولت کاهش یافته است. علاوه بر این، نتایج با متغیر وابسته محافظه‌کاری با رویکرد مبتنی بر بازار نشان می‌دهد بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و محافظه‌کاری با رویکرد مبتنی بر بازار رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین، روابط سیاسی با دولت بر ارتباط بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و محافظه‌کاری مبتنی بر بازار تأثیر منفی و معناداری دارد. در نتیجه،

فرضیه دوم در سطح اطمینان ۰/۹۵ رد نمی‌شود. بنابراین، می‌توان گفت که روابط سیاسی شرکت بر رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و محافظه‌کاری حسابداری تأثیر منفی معناداری دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

در سال‌های اخیر، موضوع روابط سیاسی شرکت‌ها با دولت و پیامدهای آن در کانون توجه جامعه جهانی و متفکران حسابداری و مدیریت قرار گرفته است. در تعدادی از مطالعات به ارتباط بین روابط سیاسی با دولت و کیفیت گزارشگری مالی شرکت به‌ویژه در آسیا پرداخته شده است (رضایی و ویسی حصار، ۱۳۹۳). اکثر شواهد ارتباط روابط سیاسی با کیفیت گزارشگری مالی شرکت را منفی ارزیابی کردند (وانگ و همکاران، ۲۰۱۷؛ کوریا، ۲۰۱۲؛ صالح و دونمور، ۲۰۰۹، رضایی و ویسی حصار، ۱۳۹۳)، در حالی که برخی دیگر نتیجه‌گیری متفاوتی را به دست آوردند (سونگ و همکاران، ۲۰۱۱؛ صالح و دونمور، ۲۰۰۹). ارتباط سیاسی، عملکرد شرکت را از طریق کانال‌های مختلفی همچون تسهیل دسترسی به وام‌های بانکی و مواد اولیه، مقررات آسان و پرداخت مالیات سبک‌تر، بهبود می‌بخشد (لی و وانگ، ۲۰۱۷). با وجود این، همان‌طور که بسیاری از محققان بیان کرده‌اند، ارتباطات سیاسی بر روابط شرکت تأثیر منفی می‌گذارد (چانی و همکاران، ۲۰۱۱؛ دینگ، جیا، ویلسون و وو، ۲۰۱۵؛ وانگ، ۲۰۱۵). چانی و همکاران (۲۰۱۱) معتقدند که به دلیل حمایت دولت از ارتباطات سیاسی، در شرکت‌هایی که روابط سیاسی حاکم است، محیط عملیاتی شفاف نیست. در نتیجه، کیفیت اطلاعات در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی پایین‌تر از سایر شرکت‌هاست. از سوی دیگر، مسئولیت‌پذیری اجتماعی به مباحث اخلاقی درباره رفتار و تصمیم‌گیری شرکت درباره موضوعاتی مانند مدیریت منابع انسانی، حمایت محیطی، سلامت کاری، روابط اجتماعی و روابط با عرضه‌کنندگان و مشتریان می‌پردازد (کاستلو و لیما، ۲۰۰۶). یکی از وظایف شرکت‌ها در حیطه مسئولیت اجتماعی کمک به بهبود وضعیت اقتصادی و رفاه جامعه است و از طرفی گزارشگری مالی نیز با هدف ارائه اطلاعات صحیح برای تصمیم‌گیری درست مالی و

1. Lee & Wang
2. Ding, Jia, Wilson & Wu
3. Wang
4. Castelo & Lima

در نتیجه رشد اقتصادی انجام می‌شود. بنابراین، انتظار می‌رود در شرکت‌های دارای روابط سیاسی با دولت، با اجرای سازوکار مسئولیت‌پذیری اجتماعی، کیفیت گزارشگری مالی نیز تحت تأثیر قرار گیرد. از این‌رو، در این پژوهش اثر روابط سیاسی با دولت بر ارتباط بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بررسی شد.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش بیانگر آن است که تأثیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر ارزش محافظه‌کاری سود مثبت و معنادار است. در توجیه این یافته می‌توان گفت مطابق با نظریه ذی‌نفعان، مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها، تعداد ذی‌نفعان را در برابر مدیران مسئول افزایش می‌دهد و در نتیجه، تعداد نظارت‌کنندگان بر رفتارهای مدیریتی افزایش یافته و موجب می‌شود قراردادهای ضمنی با مجموعه‌ای گسترده از ذی‌نفعان منعقد شود (دنگ و همکاران، ۲۰۱۳). همچنین، مدیرانی که خود را متعهد به سازمان می‌دانند تمایل بیشتری به افشای فعالیت‌های اجتماعی خود دارند. بنابراین، انتظار بر این است که افزایش نظارت و گسترش مجموعه‌ای از قراردادهای ضمنی، تضادهای نمایندگی بین مدیران و سهامداران را کاهش دهد (جنسن و مک‌لینگ، ۱۹۷۶). در نتیجه، با تعادل بین منافع و نیازهای ذی‌نفعان مختلف، اتخاذ تصمیم‌های مدیریت از جمله کیفیت سود بهبود یابد (پورتر و کارمر، ۲۰۱۱). همچنین، روابط سیاسی با دولت اثر تعدیل‌کننده منفی بر رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ارزش محافظه‌کاری سود دارد. می‌توان گفت که وجود مسئولیت‌پذیری اجتماعی در شرکت‌های دارای روابط سیاسی با دولت، نه تنها رفتار مدیران را در ارتباط با گزارشگری مالی اصلاح نمی‌کند و کیفیت را ارتقا نمی‌دهد بلکه، سبب بی‌توجهی نسبت به خصوصیات کیفی اطلاعات مالی گزارش شده می‌شوند و از این‌رو، کیفیت گزارشگری مالی از نظر ارزش محافظه‌کاری سود کاهش می‌یابد. این موضوع نشان می‌دهد که مدیران ایرانی تا حدودی دارای دید کوتاه‌مدت بوده و با توسل بر سیاست‌های کوتاه‌مدت و بی‌توجهی به مسئولیت‌پذیری اجتماعی بلندمدت و با مصرف منابع بیشتر، باعث تأثیر منفی بر کیفیت سود شرکت می‌شوند. به عبارت دیگر، مدیران ممکن است به‌طور استراتژیک، از افشای مسئولیت اجتماعی برای پنهان کردن رفتار فرصت‌طلبانه خود استفاده کنند. از سوی دیگر، این نتیجه را می‌توان به نظریه نمایندگی (فرصت‌طلبی) ارتباط داد. وابستگی شرکت‌ها به دولت باعث می‌شود که شرکت‌ها انگیزه کمتری

برای بالا بردن کیفیت افشای اطلاعات داشته باشند، زیرا این گروه از شرکت‌ها نیاز کمتری به منابع مالی موجود در بازارهای سرمایه و اعتباردهندگان احساس می‌کنند و منابع مورد نیاز خود را با پشتیبانی دولت و از طریق بانک‌های دولتی تأمین می‌کنند. نتایج این پژوهش با شواهد چوی و پی (۲۰۱۱)، صالح و دونمور (۲۰۰۹)، منصورفر و همکاران (۱۳۹۶) و رضایی و ویسی حصار (۱۳۹۳) مطابقت می‌کند و با نتایج سالوسکی و زولچ (۲۰۱۲)، عظیمی و گنجی (۱۳۹۵) و موسوی و همکاران (۱۳۹۶) در تضاد است.

با توجه به نتایج پژوهش پیشنهاد می‌شود که در شرکت‌ها تا حد ممکن از انتخاب مدیران سیاسی برای پست مدیریت ارشد خودداری شود، زیرا این مدیران سعی در رشد ارتباطات سیاسی با دیگران دارند و این رویه بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت تأثیر نامطلوبی می‌گذارد. همچنین، به سازمان بورس و اوراق بهادار پیشنهاد می‌شود که برای رونق اقتصاد بخش خصوصی، تا حد امکان اجازه انتخاب مدیران سیاسی را در پست‌های مدیریت ارشد محدود کنند و سازوکارهای نظارتی ویژه‌ای را برای اقدامات این مدیران در نظر بگیرند. با توجه به تأثیر مثبت مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر کیفیت گزارشگری مالی پیشنهاد می‌شود سازمان‌های نظارتی همچون بورس اوراق بهادار تهران و سازمان حسابرسی (کمیته تدوین استانداردها) جهت توجه بیشتر مدیران به مقوله مسئولیت‌پذیری اجتماعی به‌عنوان عامل بقای سازمان در بلندمدت، دستورالعمل‌ها و سیاست‌های مناسب در این زمینه اتخاذ نمایند. همچنین، به سازمان بورس اوراق بهادار پیشنهاد می‌شود که قوانین و مقرراتی را اتخاذ کند که تا حد امکان بتواند میزان واقعی مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها را در طول سال‌های متمادی فعالیت‌شان اندازه‌گیری و مشخص نماید تا هم پژوهشگران از این اطلاعات استفاده کنند و هم ذی‌نفعان شرکت‌ها. در نهایت، به سیاست‌گذاران و تدوین‌کنندگان مبانی نظری و ضوابط گزارشگری مالی و استانداردهای حسابداری مالی توصیه می‌شود نتایج این پژوهش را مدنظر قرار داده و جایگاه مسئولیت‌پذیری اجتماعی را در شرکت‌ها تقویت کنند. می‌توان با معرفی زوایای متفاوت مسئولیت‌پذیری اجتماعی و منافع آن برای شرکت‌ها و نیز فراهم کردن سازوکارهای لازم برای گزارشگری مسئولیت اجتماعی، شرکت‌ها را به اجرای هرچه بیشتر اصول مسئولیت‌پذیری اجتماعی تشویق کرد. در پایان، به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آتی، اثر سازوکارهای حاکمیت

شرکتی، قدرت مدیرعامل و رقابت بازار محصول را بر ارتباط بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بررسی کنند. همچنین، به منظور بررسی بیشتر نتایج پیشنهاد می‌شود پژوهشگران موضوع پژوهش را در سطح صنایع مختلف نیز آزمون کنند. در نهایت، پیشنهاد می‌شود پژوهش حاضر را با استفاده از سایر معیارهای اندازه‌گیری مسئولیت‌پذیری اجتماعی، کیفیت گزارشگری مالی و روابط سیاسی با دولت، مورد بررسی قرار داده و به مقایسه نتایج پردازند.

منابع

- ابراهیمی، سید کاظم؛ بهرامی نسب، علی و کریمی، اسحاق. (۱۳۹۷). ارتباطات سیاسی، کیفیت حسابداری، بحران مالی، هزینه‌های نمایندگی. *دانش حسابداری*، ۱۸ (۷۳): ۱۰۲-۷۹.
- افلاطونی، عباس و نیکبخت، لیلی. (۱۳۸۹). کاربرد اقتصادسنجی در تحقیقات حسابداری، مدیریت مالی و علوم اقتصادی. تهران: انتشارات ترمه، چاپ اول.
- بادآور نهندی، یونس و تقی‌زاده خانقاه، وحید. (۱۳۹۷). تأثیر ارتباطات سیاسی بر سرمایه‌گذاری بیشتر از حد و عملکرد شرکت. *فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابداری*، ۲۵ (۲): ۱۹۸-۱۸۱.
- برادران حسن‌زاده، رسول؛ حسینی نسب، مهناز و علیمی، نیر. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر محافظه‌کاری بر گزارشگری به موقع اطلاعات مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *فصلنامه مطالعات حسابداری و حسابداری*، ۳ (۱۰): ۲۲-۱.
- تقی‌زاده خانقاه، وحید و زینالی، مهدی. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها بر کارایی سرمایه‌گذاری و نوآوری. *مجله حسابداری سلامت*، ۵ (۲): ۲۷-۱.
- جلیلی، صابر و قیصری، فرزاد. (۱۳۹۳). بررسی ارتباط بین کیفیت سود و مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *دانش حسابداری*، ۱۴ (۵۷): ۱۷۰-۱۴۷.
- حاجیه‌ها، زهره و سرفراز، بهمن. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها و هزینه حقوق صاحبان سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۴ (۱۴): ۲۳-۱۰۵.
- حجازی، رضوان و رجب‌داری، حسین. (۱۳۹۹). رابطه افشای اطلاعات مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت و دقت پیش‌بینی مدیران. *حسابداری، پاسخگویی و منافع اجتماعی*، ۱۰ (۴): ۹۱-۷۳.
- خدایی، بهزاد. (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین ایفای مسئولیت اجتماعی و مدیریت سود واقعی و حسابداری در شرکت‌های دارای مالکیت خانوادگی و غیرخانوادگی. *فصلنامه مطالعات مدیریت و حسابداری*، ۳ (۴): ۳۳۳-۳۰۸.
- رضایی، فرزین و ویسی حصار، ثریا. (۱۳۹۳). اثر روابط سیاسی با دولت بر رابطه بین تمرکز مالکیت با کیفیت گزارشگری مالی و هزینه سهام عادی. *بررسی‌های حسابداری و حسابداری*، ۲۱ (۴): ۴۷۰-۴۴۹.
- سوری، علی. (۱۳۹۳). *اقتصادسنجی مقدماتی*. تهران: نشر فرهنگ شناسی.
- عظیمی، مجید و گنجی ارجنکی، سمیه. (۱۳۹۵). تأثیر مسئولیت اجتماعی شرکت بر کیفیت گزارشگری مالی. *مطالعات حسابداری و حسابداری*، ۵ (۱۷): ۲۲-۱.
- فخاری، حسین، رضائی پسته نوئی، یاسر، نوروزی، محمد. (۱۳۹۵). تأثیر افشای مسئولیت اجتماعی شرکت بر کارایی سرمایه‌گذاری. *راهبرد مدیریت مالی*، ۴ (۴): ۱۰۶-۸۵.
- فروغی، داریوش؛ میرشمس شهشانی، مرتضی و پورحسین، سمیه. (۱۳۸۷). نگرش مدیران درباره افشای اطلاعات حسابداری اجتماعی: شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *بررسی‌های حسابداری و حسابداری*، ۱۵ (۵۲): ۷۰-۵۵.
- معطوفی، علیرضا و مهرپرور، متین. (۱۳۹۸). رابطه ارتباطات سیاسی و هزینه نمایندگی شرکت با توجه به نقش تعدیلی کیفیت حسابداری. *پژوهش حسابداری و حسابداری*، ۹ (۳): ۱۸۶-۱۵۹.
- منصورفر، غلامرضا؛ قادری، بهمن و دانشیار، فاطمه. (۱۳۹۶). فرضیه سیاسی و کیفیت گزارشگری مالی: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران. *فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۱۳ (۵۳): ۱۳۴-۱۰۵.
- موسوی، سید احمد؛ رضایی، فرزین و شاه ویسی، فرهاد. (۱۳۹۶). تبیین ایفای مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها و تأثیر آن بر خصوصیات کیفی اطلاعات مالی. *فصلنامه حسابداری مدیریت*، ۱۰ (۳۳): ۱۴۱-۸۹.

- هاشمی، سید عباس و مشعشعی، سید محمد. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر رابطه بین احساسات سرمایه‌گذار و تصمیمات سرمایه‌گذاری شرکت‌ها. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۸(۱): ۱۹۹-۲۲۶.
- Aflatouni, A. & L. Nikbakht. (2010). *Application of econometrics in accounting research, financial management and economics*, Tehran: Termeh Publications, first edition. (In Persian)
- Aupperle, K., Carroll, A. & Hatfield, J. (1985). An empirical examination of the relationship between corporate social responsibility and profitability. *Academy of Management Journal*, 28: 446-63.
- Aflatouni, A. & L. Nikbakht. (2010). *Application of econometrics in accounting research, financial management and economics*, Tehran: Termeh Publications, first edition. (In Persian)
- Aupperle, K. E., Carroll, A. B., & Hatfield, J. D. (1985). An empirical examination of the relationship between corporate social responsibility and profitability. *Academy of management Journal*, 28(2), 446-463.
- Azimi, M. & S. Ganji Arjanaki. (2016). the impact of corporate social responsibility on financial reporting quality. *Journal of Management Studies and Accounting*, 5(17), 96-134. (In Persian).
- Badavar Nahandi, Y., & Taghizadeh Khanqah, V. (2018). The impact of political connections on overinvestment and firm performance. *Accounting and Auditing Review*, 25(2), 181-198. (In Persian).
- Baradaran Hasanzadeh, R., Hosseininasab, M., & Alimi, N. (2014). Effect of Conservatism on timely reporting of financial information on listed companies on the Stock Exchange. *Accounting and Auditing Studies*, 3(10), 38-51. (In Persian)
- Basu, S. (1997). The conservatism principle and the asymmetric timeliness of earnings. *Journal of accounting and economics*, 24(1), 3-37.
- Beaver, W. H., & Ryan, S. G. (2000). Biases and lags in book value and their effects on the ability of the book-to-market ratio to predict book return on equity. *Journal of accounting research*, 38(1), 127-148.
- Boubakri, N. Cosset, J. C. & Saffar, W. (2008). Political connections of newly privatized firms. *Journal of Corporate Finance*, 14(5): 654-673.
- Castelo, M., & Lima, L. (2006). Corporate social responsibility and resource-based perspectives. *Journal of Business Ethics*, 69: 111-132.
- Chaney, P.K., Faccio, M., Parsley, (2011). The quality of accounting information in politically connected firms. *Journal of Accounting and Economics*, 51(1&2): 58-76.
- Choi, T. H., & Pae, J. (2011). Business ethics and financial reporting quality: Evidence from Korea. *Journal of business ethics*, 103(3), 403-427.
- Correia Maria, M. (2012). *Political connections, SEC enforcement and Accounting quality*. Rock center for corporate governance at Stanford University. Working Paper.
- Deng, X., Kang, J. K., & Low, B. S. (2013). Corporate social responsibility and stakeholder value maximization: Evidence from mergers. *Journal of financial Economics*, 110(1), 87-109.
- Ding, S., Jia, C., Wilson, C., & Wu, Z. (2015). Political connections and agency conflicts: the roles of owner and manager political influence on executive compensation. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 45(2), 407-434.

- Ebrahimi, K. Bahrami nasab, A. & E. Karimi. (2018). Political communication, audit quality, financial crisis, agency costs. *Audit Science*, 18(73): 79-102. (in Persian)
- Edmans, A. (2011). Does the Stock Market Fully Value Intangibles? Employee Satisfaction and Equity Prices. *Journal of Financial Economics*, 101(3): 621-640.
- Ernfjord, K., & Voigt, M., (2018). *Corporate Social Responsibility (CSR) Disclosure and Earnings Management*. Master Degree Project in Accounting, University of Gothenburg, School of Business, Economics and Law.
- Fakhari, H. Rezaei Pitenoeci, Y. & M. Noroozi. (2017). Corporate Social Responsibility Disclosure and Investment Efficiency. *Financial Management Strategy*, 4(4), 85-106. (In Persian)
- Fan, G., Wang, X., Zhang, L. W., & Zhu, H. (2003). Marketization index for China's provinces. *Economic Research Journal*, 3, 9-18.
- Fan, J. P., Rui, O. M., & Zhao, M. (2008). Public governance and corporate finance: Evidence from corruption cases. *Journal of comparative Economics*, 36(3), 343-364.
- FOROUGH, D., MIRSHAMS, S. M., & Pourhossein, S. (2008). MANAGERMENTS' PERCEPTIONS ABOUT SOCIAL ACCOUNTING INFORMATION DISCLOSURES: LISTED COMPANIES IN TSE.
- Gao, F.; Lisic, L. L.; and I. X. Zhang (2014). Commitment to Social Good and Insider Trading. *Journal of Accounting and Economics*, 57(2 & 3): 149-175.
- Gil, E. G.; Manzano, M. P.; and J. H. Fernández (2016). Investigating the Relationship between Corporate Social Responsibility and Earnings Management: Evidence from Spain. *Business Research Quarterly*, 19(4): 289-299.
- Givoly, D., and Hayn, C. (2000). The changing time-series properties of earnings, cash flows and accruals: has financial accounting become more conservative? *Journal of Accounting & Economics*, 29, 287-320.
- Haider, I., Singh, H., & Sultana, N. (2021). Managerial ability and accounting conservatism. *Journal of Contemporary Accounting and Economics* 17(2021) 100242.
- Hajiha, Z. & B. Sarfaraz. (2014). the relation between corporate social responsibility and cost of equity capital of firms listed in Tehran Stock Exchange. *Journal of Empirical Research in Accounting*, 4(14): 105-123. (In Persian)
- Hashemi, A. & M. Moshashae. (2018). Corporate governance and the relation between investor sentiment and corporate investment decisions, *Empirical Research in Accounting*, 8(1), 199-226. (In Persian)
- Hejazi, R. & H. Rajabdorri. (2020). the Relationship between Disclosure of Social Responsibility Information and Accuracy of Managers Forecast. *Journal of Accounting and Social Interests*, 10(4), 73-92. doi: 10.22051/ijar.2018.21343.1414. (In Persian)
- Hong, Yongtao & Margaret L. Andersen. (2011). The Relationship between Corporate Social Responsibility and Earnings Management: An Explanatory study. *Journal of Business Ethics*, 104: 461-471.
- Jalili, S. & F. Qaisari. (2015). Investigating the relationship between quality of profit and social responsibility of companies acquired in Tehran Stock Exchange. *Journal of Audis Science*, 14(57): 147-170. (In Persian)
- Jensen, M. C. (2001). Value Maximization, Stakeholder Theory, and the Corporate Objective Function. *Journal of Applied Corporate Finance*, 14(3): 8-21.

- Jensen, M. C. and W. H. Meckling (1976). Theory of the Firm: Managerial Behavior, Agency Costs and Ownership Structure. *Journal of Financial Economics*, 3(4): 305-360.
- Jones, T. M. (1995). Instrumental stakeholder theory: A synthesis of ethics and economics. *Academy of Management Review*, 20: 404-437.
- Khan, A., Mihret, D.G. & Muttakin, M.B. (2016). Corporate political connections, agency costs and audit quality. *International Journal of Accounting & Information Management*, 24(4), 357-374.
- Khodaei, B. (2017). Investigating the relationship between social responsibility and real earnings management and accounting earnings management in the family and nonfamily firms. *Journal of Management Studies and Accounting*, 3(4): 308-323. (In Persian)
- Kim, Y.; Park, M. S.; and B. Wier (2012). Is Earnings Quality Associated with Corporate Social Responsibility? *The Accounting Review*, 87(3): 761-796.
- Kim, Yongtae, Myung Seok Park & Benson Wier. (2012). Is Earning Quality associated with Corporate Social Responsibility? *The Accounting Review*, 87: 761-796.
- Kruger, P. (2015). Corporate Goodness and Shareholder Wealth. *Journal of Financial Economics*, 115(2): 304-329.
- Lee, W., Wang, L. (2017). Do political connections affect stock price crash risk? Firm-level evidence from China. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 48(3): 643-676.
- Leuz, Christian, Nanda, Dhananjan, Wysocki, Peter D., (2003). Earnings management and investor protection: An international comparison. *Journal of Financial Economics*, 69: 505-527.
- Lin, K. J., Karim, E. K., & Carter, C. (2015). Why does China's stock market have highly synchronous stock price movements? An information supply perspective *Advances in Accounting*, 31(1), 68-791.
- Mansourfar, Gh. Qaderi, B. & F. Daneshyar. (2017). Political hypotheses and financial reporting quality: empirical evidence from Tehran Stock Exchange. *Empirical Studies in Financial Accounting Quarterly*, 13(53): 105-134. (In Persian)
- Matoufi, A. & M. Mehrparvar. (2019). The Relationship between Political Connections and Agency Costs Considering the Moderating Role of Audit Quality. *Journal of Accounting and Social Interests*, 9(3), 157-184. doi: 10.22051/ijar.2019.23995.1476. (In Persian)
- Mousavi, S.A. Rezaei, F. & F. Shahveisi. (2017). Developing the corporate social responsibility model and its impact on the qualitative characteristics of financial information. *Management Accounting*, 10(33): 89-141. (In Persian)
- Pagano, M. and P. F. Volpin, (2005). The Political Economy of Corporate Governance. *American Economic Review*, 95(4): 1005-1030.
- Porter, M. E. and M. R. Kramer (2011). Creating a Shared Value. *Harvard Business Review*, 89(1 & 2): 62-77.
- Preston, L. & O'Bannon, D. (1997). The corporate social-financial performance relationship. A typology and analysis. *Business and Society*, 36: 419-429.
- Ramanathan, R., Ramanathan, U., Bentley, Y. (2017). The debate on flexibility of environmental regulations, innovation capabilities and financial performance -A novel use of DEA, *Omega*, 75(5): 131-138.
- Rezaee, Z. Dou H. & Zhang, H. (2019). Corporate social responsibility and earnings quality: Evidence from China. *Global Finance Journal*, <https://doi.org/10.1016/j.gfj.2019.05.002>.

- Rezaei, F. & S. Weysihsar. (2014). the effect of political connections with the government on the relationship between ownership concentration with quality of financial reporting and the cost of equity capital. *Journal of Accounting and Auditing Review*, 21(4), 449-470. (In Persian)
- Salewski, Marcus & Henning Zülch. (2012). *the Impact of Corporate Social Responsibility (CSR) on Financial Reporting Quality*. <http://www.ssrn.com>.
- Salleh, F., & Dunmore, P.V., (2009). Government political support, corporate governance and financial reporting quality: evidence from companies in Malaysia. *Annual Meeting and Conference on Teaching and Learning in Accounting, New York*.
- Samy, Martin; Odemilin, Godwin; Bampton, Roberta. (2010). corporate social responsibility: a strategy for sustainable business success. An analysis of 20 selected British companies. *Journal of Corporate Governance*, 10(2): 203-217.
- Sandbur, H S; and Kapoor, S. (2010). Corporate social responsibility initiatives: An analysis of voluntary corporate disclosure. *South Asian Journal of Management*, 17(2): 47-80.
- Schipper, Katherine, (1989). Commentary on earnings management. *Accounting Horizons*, 3: 91-102.
- Song, Y., Lina, w., & Zi, Y., (2011). Impacts of political connections on earnings quality of Chinese private listed companies. *Journal of Advances in Education and Management Communications in Computer and Information Science*, 211: 85-92.
- Souri, A. (2014). *Preliminary econometrics*, Tehran: Farhangology Publishing. (In Persian)
- Taghizade Khanghah, V. & M. Zeynali. (2016). Investigating the effect of corporate social responsibility on the investment efficiency and innovation. *Journal of Health Accounting*, 5(2): 1-27. (In Persian)
- Wang, L. (2015). Protection or expropriation: Politically connected independent directors in China. *Journal of Banking & Finance*, 55: 92-106.
- Wang, Z., Chen, M.H., Chin, CH.L, Zheng, Q. (2017). Managerial ability, political connections, and fraudulent financial reporting in China. *Journal of Accounting and Public Policy*, 36(2): 141-162.
- Yu-Shu, P; Chayi-Lin, H; Alta-Uya, D. (2015). Corporate social responsibility and Corporate Fanancial performance: The intervening Effect of social capital. *Journal of Advanced Management Science*, 3(4): 276-283.

COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC-BY 4.0 license.